

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم صل علی محمد و آل محمد

سوره مبارکه فاطر (جله اول)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۸/۰۳/۲۲

مرور سریع آیات

به دنبال این باشید که نکات کاربردی هر سوره را که مطالعه می فرمایید، برای خود یادداشت کنید. اگر نکات را ثبت نکنید، فراموش می کنید. اگر به آن عمل نکنید، آنچه را هم که ثبت کرده اید، فراموش خواهید کرد. پس باید بنای خود را بر عمل کردن به سوره قرار دهیم.

در سوره مبارکه سباء که با حمد شروع می شود و خدا را با علیم حکیم معرفی می کند، بحث قیامت و جزای مومنین و رجز الیم مطرح شد و همینطور داستان حضرت سلیمان و داوود (علیهم السلام) و توان هایی که به آنها داده شده است، بحث قوم سباء و استضعاف و استکبار، موضوع ملائکه و شیوه شفاعت آنها، مواردی که ایجاد سبک زندگی می کند و مولفه های زندگی ساز و نقش مترف در زندگی.

ان شاء الله چنانچه فرصت شود، آیات آخر سوره مبارکه سباء را خواهیم خواند.

سوره مبارکه فاطر آخرین سوره از سوره های حامدات است که با حمد شروع می شود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مِّثْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱)

در سوره سباء، بحث ملائکه به این شکل مطرح نیست. نکته جالب سوره فاطر این است که برای ملائکه اجنحه یا بال در نظر گرفته شده است. بال در اینجا کنایه از نزول و صعود ملائکه برای دریافت امر است، ملائکه را مخلوقات بال و پایین رونده می داند. اجنحه را می توان به عنوان بسط رحمت خدا معنا کرد. مسلماً منظور، بال پرنده به این معنا نیست!

مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲)

فتح و امساک در این سوره مهم است. فتح به معنای گشایش و امساک به معنای بسته شدن است. فتح دری است که باز می‌شود و شما می‌توانید به حوائجتان برسید و امساک دری است که بسته است و رزقی است که داده نشده است. در واقع دو بعد از زندگی انسان است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (۳)

بحث خالق و رزق، بحث بعدی هستند.

وَ إِن يَكذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۴)

گویی پیامبر (صل الله عليه وآله وسلم) را هم رزقی می‌داند که برخی او را تکذیب می‌کنند.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغْرِبَنَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَ لَا يَغْرِبَنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ (۵)

خاصیت این سوره این است که دارای عنوان‌بندی است. زندگی را می‌گوید و محورهای زندگی که باید به آنها اهمیت داده شود و اینکه چگونه باید به آنها اهمیت داد. **ساز و برگ یک زندگی** را نشان می‌دهد و اینکه در آن چه چیزهایی هست.

و عده یعنی اینکه خیلی از کارها را باید شما انجام بدهید، چون خدا گفته است و باید به او اعتماد کرد و او به شما جزا می‌دهد.

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۶)

همانطور که در این عالم **ملائکه** وجود دارند، **شیطان** هم وجود دارد و کار او این دعوت به آتش و دشمنی است.

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۷)

در نگاه به زندگی‌ها، برخی خیلی پردرد هستند و برخی در مغفرت و اجر کبیر.

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۸)

در زندگی اجتماعی برخی خوب و برخی بد هستند و برخی کارهای بدشان را خوب فرض می کنند.

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَمَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ (۹)

انسان مرتب با زندگی و مرگ دست و پنجه نرم می کند.

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبْورُ (۱۰)

و البته همیشه به دنبال قدرتی است که هیچکس نتواند او را شکست دهد. همه به دنبال عزت هستند اما باید بدانند که عزت فقط نزد خداست. اگر کسی بخواهد به عزت دست یابد و بر مشکلات غلبه کند، اعتقادات پاک و عمل صالح راه آن است. اگر کسی اعتقادات پاک و عمل صالح نداشته باشد، به مکر دچار می شود و کارهای بد او را به شکل مکر آمیزی انجام می دهد.

خدا به شکلی واقعه گرایانه مسائل زندگی را می گوید که برخی عمل صالح دارند و خوبی می کنند و برخی مکر دارند و بدی می کنند.

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۱۱)

نوعاً افراد فکر نمی کنند از کجا خلق شده اند. در حالیکه انسان ابتدا خاک بوده و بعد نطفه شده است. انسان کتابی دارد که از آن زمانی که خاک بوده، در آن ثبت است. این کار برای خدا ساده است.

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلُكَ فِيهِ مَوَآخِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲)

امکانات بیرونی هم برای انسان قرار داده شده است و حتی دریا هم که شور باشد، برای انسان دارای فایده قرار داده شده است.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ
وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ (۱۳)

انسان گاهی فکر نمی کند که شب و روز و ماه و خورشید نیز از **دارایی** های او محسوب شود. در حالیکه از مهم-ترین دارایی های انسان همین روز و شب است چون نصاب دارایی ها و عمر یک فرد بر اساس همین روز و شب است. اگر از کسی بپرسید چند سال داری، با همین ماه ها می تواند حساب کند. رشد انسان وابسته به این روز و شب و اثر آن بر انسان است. اگر روز و شب از زندگی انسان برداشته شود، هیچ نظامی برای او مستقر نخواهد شد.

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَ لَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (۱۴)
این دارایی ها باید مورد توجه قرار داد، چون اگر چنین نشود شیطان می آید و یکسری دارایی های دیگر را به رخ می کشد. ماشین و یخچال و سوره می گوید اگر از دارایی های اصلی خودتان استفاده نکنید، همان ها تبدیل به مکر می شوند. ده سال گذشته است و کاری نکرده ای، این یعنی برایت بی خاصیت شده است.

یک مرتبه انسان متوجه می شود، دارایی هایش را خدا داده است اما امر و نهی ها را از غیر خدا گرفته است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۱۵)

خدا نمی خواهد فقر انسان را به رخ او بکشد. این انسان **علو** می کند و به همین دلیل می گوید تو هیچی نیستی.

إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (۱۶)

طوری به این زمین می چسبد که گمان می کند هیچوقت از دنیا نمی رود.

وَ مَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعْزِينَ (۱۷)

حتی فکر می کند که برداشتن این ها سخت است.

وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَ إِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَ لَوْ كَانَا ذُرِّيًّا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ مَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَ إِلَىٰ اللَّهِ الْمَصِيرُ (۱۸)

انسان یک **نامه اعمال** مخصوص به خود دارد که اشتباه نمی شود و اینگونه نیست که نامه دیگری را بخواهید بردارید! هرکسی بتواند تزکیه کند، تزکیه کرده است.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ (۱۹) وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ (۲۰)

نور و تاریکی مساوی نیست اما برخی فکر می کنند **مساوی** است.

وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحَرُورُ (۲۱)

حتما عده ای فکر می کنند، این ها مساوی هستند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَن فِي الْقُبُورِ (۲۲)

ممکن است بگوئید چرا خداوند این ها را به رخ انسان می کشد و از آن صحبت می کند. دارایی انسان به گونه ای است که می تواند بفهمد چه چیزی با چه چیزی مساوی نیست البته اگر بتواند استفاده کند. بینایی و نابینایی، ظلمت و نور، سایه و گرما و حرارت، حیات و مرگ با هم مساوی نیستند و این ها از مهم ترین **عدم تساوی ها** بوده است. بینایی بعد شناخت انسان است، نور بعد رشد است، ظل بعد عواطف و احساسات است و حیات انواع نعمت داری و برخورداری است.

ای پیامبر به کسی که در قبر باشد نمی توان چیزی را شنواند! برخی هستند که روی زمین راه می روند اما فکر می کنید در قبر هستند!

إِنَّ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ (۲۳)

پس خداوند به انسان **نذیر** هم داده است.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ (۲۴) وَإِن يَكذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۲۵)

رسل آمده اند و سه چیز را آورده اند؛ در آنچه خداوند می گوید تا با آن زندگی تشکیل دهیم یکی بینات و دیگری **زبر** و **کتاب مبین** وجود دارد. اینکه این سه چه ربطی دارند نمی دانیم چون ما فقط یک قرآن داشتیم و اسمش قرآن مجید بود اما گویا خداوند بینات و زبر و کتاب منیر می دهد.

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۲۶) أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ (۲۷)

خداوند رویت می دهد. **رنگ** می دهد. فکر کنید رنگ نبود و همه چیز سیاه و سفید بود، آن وقت چه اتفاقی می افتد.

وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (۲۸)

اگر انسان در این دو دقت کند، مهم است. تاثیر رنگ را در همه زندگی اش ببیند، خیلی نکات جالبی دارد.

« إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ..» ذیل این آیه آمده است و نشان می دهد خیلی از **علوم** به رنگ وابسته می شود.

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ (۲۹)

لِيُوفِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ (۳۰)

خداوند برای انسان **رهبرانی** قرار داد که این ها کتاب خدا را تلاوت می کنند و وقتی می گوید این افراد اقامه نماز می کنند یعنی خود عابدترین هستند و وقتی می گوید این افراد انفاق می کنند یعنی خودشان منفق ترین هستند و زندگی شان پایین ترین سطح است اما دهندگی شان بالاست.

وقتی بحث تلاوت می آید، زندگی رهبران را می گوید.

عالم کسی است که خشیت داشته باشد.

منفق آن قدر می دهد که بتواند دوام انفاق داشته باشد. از آیه ۲۷ فضا متفاوت می شود. فعلا در حال عنوان بندی کردن هستیم و می خواهیم بینم اقلامی که خداوند داده است، چه چیزهایی است.

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ (۳۱)

این دو آیه بسیار تکان دهنده است و منحصر در این سوره است. برخی اینقدر در مورد کتاب خدا بد فکر نکنند! خداوند از کتابش خیلی تمجید کرده است.

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُذْنِ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (۳۲)

کتاب وحی شد و دست به دست شد تا به دست ما رسید. قومی برتر شد و اینکه این کتاب را به آنها دادند از عنایات خداست و روز قیامت هم به انسان گفته می شود که خداوند کتاب را به انسان داده است. اما برخی **سابق** به

خیرات هستند و آنهایی که کتاب به آنها رسیده است، سه دسته شدند. یک دسته **ظالم** شدند، دسته‌ای **مقتصد** که سر به راه بوده‌اند و گروهی سابق بخیرات بودند و بیشتر از انتظار ظاهر شدند!

جَنَاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۳۳)

خداوند گاهی در ذهن مخاطب ابهام‌های زیادی ایجاد می‌کند. از **بهشت‌هایی** می‌گوید که در آن دست‌بندهایی از طلاست و لباس‌هایی از طلا است.

وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ (۳۴)

گویی انسان‌های مؤمن تا وارد در بهشت نشوند، دارای حزنی هستند. انسان از **حزن** خالی نمی‌شود و این باید مدیریت شود. این حزن از دوری انبیاء و اولیا و خدا می‌آید. هر چقدر سن بیشتر می‌شود، حزن بیشتر می‌شود. کسانی که از غم و اندوه می‌ترسند، دچار افسردگی می‌شوند. افسردگی به خاطر غم و غصه نیست بلکه ترس از آن باعث ایجاد افسردگی می‌شود. حزن برای انسان توزیع شده است. برخی حزن‌شان حزن دنیاست؛ مقایسه‌ها و حسدها و بخل و ترس‌ها که ما به این‌ها کاری نداریم. کسانی هم که اهل معنویت هستند، حزن دارند. حزن از کم‌کاری و نرسیدن و برخی فکر می‌کنند، در دلشان نباید هیچ حزنی باشد. در حالیکه آیه از « أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ » می‌گوید.

بهشت این سوره فاطمی است و رنگ و بوی ایشان را می‌دهد. کلا این سوره رنگ و بوی **حضرت فاطمه** (سلام الله علیها) را دارد.

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ (۳۵)

اینها خیلی شبیه تعبیر کنایی است. **مسّ نصب و لغوب** دارند.

حزنی که در آیه قبل نشان داده شده است و اینکه چرا این حزن وجود دارد. چرا حضرت صدیقه (سلام الله علیها) حزن دارند. چرا یک خانم در هجده سالگی باید از دنیا برود. آن هم در حد معصوم که اگر به طور طبیعی زندگی می‌کردند، نمونه آنها می‌شود امام زمان. میانگین عمر اهل بیت (علیهم السلام) **چهل سال** است. حتما ارزشش را داشته که خداوند چنین دنیایی را خلق کند! دنیایی که در آن رهبرانش چنین سختی‌هایی را برای هدایت متحمل شده‌اند، این هدایت چقدر ارزش داشته است. این حزن، حزن هدایت است، حزن بی‌اعتنایی مردم به کتاب خداست.

این حزن هنوز هم هست. چند درصد از نوع انسان جزء «ثم اورثنا الكتاب» هستند؟ مثلاً یک میلیارد. چند درصد از این افراد در این سه گروه قرار می‌گیرند؟ به فضل و عطاى خدا و به صلوات و مغفرت خداوند، بسیاری از مجرمین عفو می‌شوند و حزن برداشته می‌شود و خداوند عنایت می‌کند و طبق سوره ضحی ایشان را راضی می‌کند.

امیدواریم خیلی دور نباشیم و بینیم که چگونه حزن از آنها برداشته می‌شود.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فِيمَوْتُورًا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ (۳۶)

ما نمی‌توانیم این آیات را باور کنیم، نمی‌دانم چرا. اینکه انسان‌هایی وارد جهنم شوند که نه می‌میرند و نه بخشیده می‌شوند. ما رحمت‌مان زیاد است و با دیدن عذاب کسی می‌گوییم خدایا کاری کن که بخشیده شوند. گاهی **رحمت** ما به ظاهر از خدا فزونی می‌گیرد اما در واقع اینگونه نیست، رحمت هیچکسی بر خدا فزونی ندارد. خدا حتماً دلیلی داشته است که چنین چیزی را می‌گوید.

وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ (۳۷) إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۳۸)

اگر عالم را دو بی‌نهایت در نظر بگیریم، یکی عالم در **غیب** و دیگری عالم در **صدور** است.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا (۳۹)

خدا شما را خلائف در ارض قرار داد و یکی بعد از یکی دیگری می‌آید و می‌روید. دنیا، دنیای رفت و آمد است.

کفر هر جایی باشد، مقت و خسارت می‌آورد و کفر جز خسارت و مقت نمی‌تواند بیاورد. سیاه، سیاه است و خاصیت آن تیرگی است. تکوین کفر را مطرح می‌کند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنَّ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا (۴۰) إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۴۱)

انسان بد است که فکر کند زمینی که روی آن راه می‌رود، تصادفی حفظ شده است، در حالیکه در هر لحظه‌ای که آسمان و زمین هستند، **حفظ** شده‌اند. آسمان فرو نمی‌ریزد یعنی ستاره و خورشید و ماه و ... با اراده آن به آن خدا در حال حفظ است و اینگونه نیست که آسمان و زمین یکبار خلق شده است و در یک چرخه قرار گرفته‌اند! با فعل مضارع آمده است «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ»

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا (۴۲)

عده‌ای هستند که قسم محکم می‌خورند که اگر نذیری برای آنها آمد، هدایت یافته‌تر خواهیم شد. گاهی انسان آنقدر کوچک است که حتی همین را نمی‌تواند بخواند و بگوید اگر من یک نذیر در سر راهم قرار گرفت، هدایت اساسی خواهم شد. این‌ها می‌شوند شاخص و بی توجهی به نذیر این است که **میل به نذیر داشتن** و هدایت یافتن در فرد از بین می‌رود. میل داشتن به نذیر خودش حدی است.

اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (۴۳)

این آیه در زندگی انسان خیلی مهم است و هر بدی، مکرری دارد و از جایی به صورت مخفیانه ضربه‌اش را خواهد خورد.

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكُنُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا (۴۴) وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (۴۵)

اگر خداوند می‌خواست بر مدار اخذ خود عمل کند، کسی نباید الان در زمین می‌بود.

نکات طهارتی

سوره‌های کوتاه را می‌توان یک دور سریع خواند و نکات سوره را به عنوان **نکات طهارتی** که می‌توان به آن‌ها عمل کنیم را مشخص می‌کنیم.

- همانطور که انسان از زندگی بهره دارد، از حزن نیز بهره دارد و اگر این حزن صرف دنیا شود به هدر رفته است اما اگر صرف هدایت شود به نتیجه می‌رسد.
- باید انسان حزنی داشته باشد که بتواند آن را به خدا بگوید که مثلاً برای فلان موارد حزن دارم. در غم، گرفتگی وجود دارد اما حزن در خودش گشایش و حرکت دارد. هر غصه‌ای را حزن نمی‌گویند. حزن و کرب و غم داریم. حزن‌هایی که مربوط به هدایت می‌شود. حزن‌های خود را به هدایت مرتبط کنیم و کاری کنیم که بتوانیم آن را به خدا نشان دهیم. یعنی بتوانیم فهرست‌های ناراحتی خود را بررسی کنیم که نتیجه کمبود ایمان نباشد.
- در تحقیقی که در حوزه شادکامی انجام شد، دیدیم که شادی انسان وابسته به فتح است. انسان باید کاری کند که به فتح و امساک که خداوند به او می‌دهد، خرسند باشد. باید طوری زندگی کرد که امساک را نتیجه گناه ندانست. به هر حال بدی، اولین ویژگی منفی‌ای که دارد این است که ارتباط ما را با خدا به هم می‌ریزد. رابطه انسان با خدا خراب می‌شود و اختلال در ارتباط با خدا، اولین نتیجه بدی کردن است چون نمی‌دانیم این فتح و امساک همانی است که خدا داده است یا مربوط به کار خودمان است. بنابراین صرفه با گناه نکردن است تا از آنچه خدا داده یا نداده است، خشنود شود.
- فتح و امساک از جانب خداست. اگر گشایشی هست یا نعمتی نیست، از جانب خداست. در سوره، مکر سیئه وجود دارد. مکر سیئه مقدرات را تنگ می‌کند و باعث به هم ریختگی می‌شود. فتح و امساک دست خداست و باید برای اعتماد به آن سیئه نداشت. سیئه کاری است که دارای قبح عقلی است. سیئه لزوماً خلاف حکم خدا نیست بلکه حتی می‌تواند با عقل نیز فهم شود. گاهی نداشتن عملی، باعث بروز یک اعتقاد می‌شود. با اینکه باورها مقدم بر عمل هستند اما گاهی اعمالی منجر به این می‌شود که امکان باور به چیزی، از انسان سلب شود.
- در این سوره به شدت روی عمل صالح پافشاری می‌شود. در واقع عمل صالح است که زمینه بروز اعتقادات پاک را فراهم می‌کند. عمل صالح دور شدن از سیئات است. از آنچه داری، خوش باش و از آنچه نداری غمگین نباش و این مشروط به این است که فرد سیئه نداشته باشد.

- از موانع داشتن اعتقادات پاک، فقدان عمل صالح است.
- برای هفته بعد هر کسی خواست به سوره عمل کند، فهرستی از اعمالی را که عرف عقلا آن را ناهنجاری می‌دانند را مشخص کند، مثلاً اینکه دو رو بودن زشت است.
- آیات این سوره خیلی سنگین هستند و سوره به گونه‌ای است که هر کسی به این سوره را عمل کند، ثواب سوره ارتباط با ملائکه و گشایش در آن است و زندگی فرد از قفل و بن‌بست‌های بد خارج می‌شود.
- این سوره ارتباط با حضرت صدیقه (سلام الله علیها) دارد. اگر کسی بخواهد راه رفاقتی را با حضرت صدیقه (سلام الله علیها) داشته باشد، این سوره است.
- اگر به شما بگویند یک سوره را انتخاب کنید و به آن عمل کنید و خیلی فایده دارد، همین سوره است. رزقش زیاد است. سوره یس نیز اینطور است اما نهایتش شهادت است.
- مکر سیئه یعنی «چاه نکن بهره کسی اول خودت بعدا کسی» هر کسی هر عملی انجام دهد، مثل آن برایش اتفاق می‌افتد. طعنه بزند، طعنه خواهد شنید. «یبور» پوچ شدن و دست خالی شدن است.
- از خاصیت‌های سوره این است که خداوند جزء قوانینش این است که ملائکه در عالم زیاد شوند و ملائکه نوعاً در اثر رساندن فتح و امساک زیاد می‌شوند و انسان می‌تواند کاری کند که منجر به زیاد شدن ملائکه شود. انسان‌ها قدرت دارند کاری کنند تا ملائکه وسعت وجودی و سعه امرشان زیاد شود.
- «نصب» هر آنچه که انسان را در فرآیند انجام کاری به سختی می‌اندازد. «لغب» آنچه که بی‌جهت در مسیر انجام کار قرار می‌گیرد و مسیر کار را سخت می‌کند. در لغوب بیشتر نگاه به مانع است و در نصب، نشدن و نرسیدن است و این دو عوامل ناکامی انسان هستند. مقصدی را انتخاب می‌کنید مثلاً قبولی در آزمونی برای آن می‌خواند اما خواندنش کافی نیست، این نصب است اما در لغوب فرد می‌خواند ولی یک مرتبه مریض می‌شود و مانعی سر راهش قرار می‌گیرد. در هدایت مردم هم ممکن است چنین اتفاقی بیفتد. فرضاً در مدرسه‌ای هستید و برای هدایت بچه‌ها زحمت می‌کشید اما این زحمت متناسب با هدایت بچه‌ها نیست ولی زمانی زحمت را می‌کشید اما یک مرتبه کسی با انجام کاری، تمام کار شما را از بین می‌برد. در فضای فرهنگی ما هم نصب زیاد است و هم لغوب.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات